

Abstract

The purpose of the present study is to investigate corruption on earth and moharebeh and their examples in Islamic jurisprudence and law. , And has examined new cases not mentioned in previous laws. Prominent examples of corruption on earth and war in ancient jurisprudence include kidnapping, addiction to killing Dhimmis and slaves, shroud of theft and non-existence, burning the house of another, sorcerer, but in new jurisprudence and law are the fight against drugs, perpetrators, bribery, embezzlement And, economic disruptors, crimes of the armed forces, cross-border smugglers, human trafficking, counterfeit banknotes, speculators and expensive sellers, extortion, unauthorized audiovisual activists, cybercriminals and cyberspace in the areas of intimidation, Sexual, political, economic and spy and someone who questions the certain rules of Islam and another can and cases of corruption mentioned in the Qur'an and when that corruption becomes widespread and general, a kind of enmity with God and His Messenger

Keywords Corruption on Earth, Moharebeh, Corruption in the Quran, Computer Crimes, Extortion and ...

- 1 . Islamic Jurisprudence and Law Group-Mashhad Azad University(Corresponding Author)
ahmari.hosein@yahoo.com
- 2 . Department of Education, Farhangian University, Imam Mohammad Baqir Campus,
Bojnourd
- 3 . Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Azad University of Mashhad

مصادیق افساد فی الارض و محاربه از منظر فقه و حقوق اسلامی

علی یزدانی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۴

حسین احمدی^۲

مصطفی رجائی پور^۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی مصادیق افساد فی الارض و محاربه در فقه و حقوق اسلامی میباشد و از روش توصیفی تحلیلی و با گردآوری منابع از طریق روش کتابخانه‌ای، ضمن بررسی مفهوم و قلمروی مفسد فی الارض و محاربه در اصطلاح و فقه اسلامی، و موارد جدید را مورد بررسی قرار داده است. مصادیق ذکر شده آنها در فقه قدیم شامل: آدم ربائی، عادت به کشتن اهل ذمه و عادت به کشتن بندگان، نبش قبر و دزدیدن کفن، آتش زدن منزل یگری، ساحر ولی در فقه و حقوق جدید شامل:، اخلا لکران اقتصادی، اختلاس، جرایم نیروهای مسلح، عبور دهندگان از مرزها، قاچاق انسان، جاعلان اسکناس، محتکران و گران فروشان، زورگیری، فعالیت کنندگان غیر مجاز در امر سمعی و بصری، افسادکنندگان اینترنتی و فضای مجازی در حوزه‌های ایجاد ترس و رعب، جنسی، سیاسی، اقتصادی و جاسوس و کسی که احکام مسلم اسلام را زیر سؤال میبرد باشد و دیگر مواردی از مفسده های که در قرآن اشاره شده است و وقتی هر یک از آن فسادها جنبه گسترده و عمومی پیدا کند و به امنیت مردم آسیب برساند همین طور که خداوند عاملان آنها را سخت مجازات کرده این عاملان نیز میتوانند از مصادیق این جرم ها باشند.

کلید واژگان: افساد فی الارض، محاربه، فساد در قرآن، جرائم رایانه‌ای، زورگیری

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

^۲ دانشیار، هیئات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول

^۳ استاد یار، هیئات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

در شریعت، جرم، انجام عملی است که حرام و دارای مجازات است و یا ترک فعلی است که شرع انور به تحریم و مجازات بر آن تصریح کرده است. جرم در میان پدیده‌های گوناگون اجتماعی نیز رفتاری مورد انزجار و نفرت جامعه است که با توجه به شدت و ضعف آن، مستلزم عقوبت می‌گردد. جرم بودن این دسته از اعمال و تعیین نوع مجازات آن از طرف شارع مقدس، در سوره مائده قرآن مجید صراحتاً تعیین و تصریح گردیده است. علما و فقها نیز در کتب فقهی بابی را به این موضوع اختصاص داده و به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند. در سایر کشورها، برخی از مصادیق این دسته از جرائم، مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته و در قانون به تناسب نوع عمل، مجازاتی نیز تعیین نمودند. از قبیل جرائم اقدام بر ضد حکومت و ودولت یا سوء قصد به شخص اول مملکت یا خیانت به کشور و جاسوسی که غالب کشورها برای مرتکبین این جرائم حبس لبد و تعداد قلیلی از کشورها مجازات اعدام را پیش بینی نمودند. لیکن محاربه و افساد فی الارض در حقوق اسلامی، از حدود الهی می‌باشد و، دارای ابعادی وسیعتر از موارد مذکور می‌باشد. بعلاوه مجازات این دسته از جرائم نیز از طرف شارع مقدس مقرر گردیده و قاضی در تغییر نوع و میزان آن اختیاری ندارد و در ورت احراز جرم، الزاما باید یکی از اقسام چهار گانه مجازات را مورد حکم قرار دهد. از جمله تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است میتوان به تحقیق سنچولی (۱۳۹۷) تحت عنوان مقایسه تروریست با مفسد فی الارض در فقه اسلامی اشاره کرد، پولار مولائی (۱۳۹۷) در این زمینه کتابی نوشته است و محمدی فر و مستجاب الدعواتی (۱۳۹۷) مقالهای تحت عنوان بررسی فقهی حقوقی جرم محاربه انجام داده اندو همچنین ملک آستانه و فکور (۱۳۹۵) کتاب محاربه و افساد فی الارض در حقوق موضوعه به رشته تحریر درآوردند. باقری (۱۳۹۸) به موضوع شناسی این دو عنوان مذکور پرداخته است.. هژیر (۱۳۹۹) جرم محاربه را با توجه به قانون مجازات اسلامی کرده استاست. هژیر و

سلمانی (۱۳۹۵) به بررسی کلی این دو به عنوان جرمی علیه امنیت پرداخته‌اند. از جمله جرایمی که در شریعت اسلام ورد توجه فقه قرار گرفته است و به تفصیل راجع به آن بحث شده است سه جرم بغی و محاربه و افساد فی الارض میباشد. بغی در اسلام از مباحث مهمی است که در حوزه جرائم علیه موجودیت حکومت اسلامی در منابع فقهی مورد بحث قرار گرفته است. در قوانین ایران عنوان بغی وجود نداشت بیشتر در فقه بکار رفته است. در قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ در خصوص جرم بغی عنوان مستقلی در نظر گرفته است و در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ به طور مشخص از آن تعریف مینمایند. بغی و افساد فی الارض در فصل نهم که شامل مواد ۲۸۶، ۲۸۷ و ۲۸۸ میباشد، همچنین عنوان مجرمانه محاربه نیز مورد توجه قانونگذار بوده است و مصادیقی نیز برای آن ذکر شده است و تحول و نوآوری‌هایی نیز برای آن شاهد بودهایم که نشان میدهد که عنوان مزبور به تدریج توسعه و گسترش زیادی پیدا نموده است. اگر چه منابع فقهی در خصوص موضوع، کتاب فراوان است، لیکن وجود تحقیقاتی از این دست به زبان فارسی نادر است. تعداد انگشت شماری که وجود دارد، بیشتر از منظر حقوقی به تبیین و بررسی موضوع پرداخته‌اند و بررسی فقهی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ضمن اینکه در تحقیق حاضر از دو بعد فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است به بررسی مصادیق محاربه و افساد فی الارض برای روشنتر شدن موضوع بیان شده است و از دیدگاه جدیدی به این موضوع اشاره شده است و همزمان از دو بعد مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، تلاش مقاله حاضر بر این است تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با گردآوری منابع از طریق روش کتابخانه‌ای، ضمن بررسی مفهوم و قلمروی محاربه، و مفسد فی الارض در اصطلاح و فقه اسلامی، پیشینه و ارکان و مصادیق این جرایم در قوانین را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ بنابراین این مقاله درصد است با نگاهی نو به بررسی مصادیق جدیدی از افساد فی الارض و محاربه از جمله جرایم اینترنتی، زورگیری، جاسوسی و در فقه و حقوق اسلامی پرداخته شد.

مفسد فی الارض، یکی از معضلات جوامع امروزی است که دولتها به ویژه در سده اخیر با آن درگیرند. در طول تاریخ اسلام نیز بسیاری از بزرگان از جمله امامان معصوم ما قربانی این پدیده شوم شدند. دنیای غرب، چند سالی است که سعی در حذف اسلام از عرصه سیاست دارد و در این راستا ابتدا با پدید آوردن و تقویت گروهکهای تروریستی هم چون القاعده (و داعش) سپس با استناد به اعمال این دسته، اسلام را تروریستی و تروریست پرور معرفی کرد. مفسد فی الارض در ساختار مفهومی کنونی، اندیشه‌های دوگانه است. گاه برخی گروهها و کسان بر پایه اندیشه پیکار با دولتها یا کسان زورگو و نادرستکار، به خشونت روی می‌آورند که مفسد فی‌الارض در اینجا همان پیکار در راه آزادی است. گاه دولتها و کسانی که دارای قدرت اند، به بهانه مفسد فی الارض میکوشند هر بازدارنده یا دشمنی را از سر راه بردارند که این نیز سخت کوشی در راه امنیت است. در این میان تروریسم، تنها نوعی اندیشه است که در پیکره پدافند (دفاع) رخ نموده است. به سخن دیگر، تروریسم دو هم آورد دارد که هر دو بر این اندیشه‌هاست که در حال دفاع از خود هستند و در پایان، روشن نیست کدامیک بر دیگری ستم روا داشته و کدامیک سزاوار دفاع از خویش است. محاربه در اصل به معنای گرفتن و سلب است و اطلاق عنوان حرب به ترساننده مردم یا جنگ کننده با مردم، بخاطر آن است که او میخواهد جان یا مال یا ملک دیگری را از او سلب کند. عده‌ای از فقها و مفسران میگویند مفهوم افساد فی الارض عامتر از محاربه است، به گونهای که محاربه فقط یکی از موارد افساد فی الارض است؛ اما آنچه بیشتر مسئله مورد بحث را دچار مشکل میکند این است که حتی آن عده از فقهای اسلامی که قائل به جدایی محاربه از افساد فی الارض هستند، و مجازات معینی را برای مفسد فی الارض معین نکرده‌اند مگر این که بگوئیم این مجازات که در فقه بیان شده مجازات مفسد فی الارض است و شامل محارب نیز میشود. در تنقیح موضوع حد محارب سخن بسیار رفته است، آیا موضوع آن فقط کسی است که برای ترساندن مردم سلاح

کشیده باشد، یا هر کس به هر نحو حتی مثال به ورت بغی، محارب با خدا و پیامبر باشد موضوع آن است؟ و یا به طور مطلق هر مفسد فی الارض حتی اگر افساد او به ورت جنگ و محاربه هم نباشد، موضوع این حد است؟ پایه این بحث بر استظهار از آیه مبارکه و روایات مخصوص حد محارب، استوار است. محاربه و تروریسم هر دو از عناوین مجرمانه مهم علیه امنیت میباشند مخصوصاً تروریسم دولتی که به دلایل مختلف جایگاه ویژه‌ای را در فقه به خود اختصاص نداده‌اند. اگرچه عناوین مجرمانه مزبور به جهت شرایط مرتبط با ارکان مادی و روانی آنها دارای شباهتهایی با یکدیگر نیز میباشند؛ اما سمت و سوی تحوالت تقنینی این دو عنوان متفاوت با یکدیگر بوده است. بسط و گسترش مفهومی محاربه در بیشتر موارد متمایل به حفظ و حمایت از حاکمیت سیاسی نظام و گسترش دامنه آن در راستای حفظ و حمایت از امنیت عمومی بوده است. علیرغم اختلاف محاربه و تروریسم از یک جهت دارای وجه اشتراک با یکدیگر میباشند، وجود ابهامات تقنینی که در مقررات مربوط به بسیاری از جرائم دیگر علیه امنیت نیز مشاهده میگردد و در اکثر موارد به دلیل به کارگیری الفاظ کلی و مبهم در مقررات قانونی رخ میدهد و هیچگاه قانونگذار، خود را ملزم به ارائه تعریف درباره آنها ننموده، میتواند زمینه استفاده بیشتر از حقوقدانان دانشمند را فراهم نماید.

اهمیت موضوع بررسی مصادیق محاربه و مفسد فی الارض در فقه اسلامی از مباحث مهمی است که در حوزه جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی شهروندان کشور اسلامی در منابع فقهی مورد بحث قرار گرفته است؛ اما علی رغم وجود دلایل و مستندات شرعی بر جرم بودن فساد فی الارض و محاربه بیشتر کتب فقهی و قوانین در تعیین مصادیق آنها به همان مصادیق ذکر شده در کتب فقهی قدیم اشاره داشته اند و با توجه به سرعت فزاینده علوم و توسعه سریع اجتماعی امروزی و در فقه و قوانین مستقل در خصوص محاربه و مفسد فی الارض در منابع معتبر اسلامی، به مصادیق جدیدی که ممکن است از مصادیق افساد فی الارض و محاربه محسوب شوند سخنی به میان نیامده لذا بر خودم لازم دانستم به

نوبه خودم مصادیق جدید ممکن الطرح در ذیل این موضوع تحقیقی نمایم و انشاءالله بتوانیم به نتایج مفیدی برسیم

بنابراین علی‌رغم این که موضوع یاد شده از موضوعات فراگیر و مورد ابتلا است اما تا کنون کاری در خور توجه که مورد نظر مقاله است انجام نگرفته و هنوز ابهامات زیادی در عرصه فقه حقوق وجود دارد که باید شفاف سازی و ابهام زدایی گردد. لذا تحقیق در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

تعریف محاربه و مفسد فی الارض برای محاربه با خدا و افساد فی الارض مجازاتهای سنگینی چون اعدام و بدار آویختن و قطع دست و پا و تبعید در نظر گرفته شده‌است. فاعل این جرم، محارب و مفسد فی الارض نام دارد.

محاربه به معنای جنگیدن و افساد فی الارض به معنی تباکاری بر زمین است. این اصطلاح در قرآن سوره مائده آیه ۳۳ آمده‌است: سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت این آیه از مهمترین آیات مربوط به احکام کیفری در قرآن است که مباحث مفصلی در کتب فقهی و تفسیری در مورد مصادیق آن نظرات مختلفی ابراز شده

محاربه در فقه اسلامی به جرایم سیاسی گفته میشود؛ بنابراین انتصاب محاربه به جرایم سیاسی از دید بسیاری از فقها غلط بوده و نمیتوان به باغی اتهام محاربه و مفسد فی الارض وارد نمود. از دید فقه اسلامی اتهام محاربه نیازمند آماده بودن سلاح و سلب امنیت از مردم است. خمینی (قدس سره) در تحریرالوسیله گفته‌است:

محارب کسی است که شمشیرش را برهنه می‌کند یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین

افساد نماید؛ خواه در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا در غیر آن، شب باشد یا روز. و در صورت تحقق آنچه که ذکر شد، شرط نیست که از اهل ربه (افراد مشکوک و متهم) باشد، و مرد و زن در آن مساوی.

سابقه جرایم دو گانه در اسلام
افساد فی الارض

در بررسی پیدایش افساد فی الارض در اسلام و کلیه نظامهای الهی ما قبل اسلام به هیچ منبعی محکمر و موثقتر از قرآن نمیباشد. از فحوای این کتاب عظیم چنین بر میآید که جرم افساد فی الارض به طور کلی در نظامهای قبل از اسلام و به تبع آن در نظام اسلام مطرح بوده است. به طور مثال قوم عاد: در زمان حضرت هود (ع)، فاصله طبقاتی میان فقر و

غنی، ضعیف کشی، حق ستیزی، نابرابری و بالاخره بت پرستی به حدی رسید که خداوند متعال قوم عاد را از اقوامی دانست که فساد زیادی در زمین بر پا کردند.

قوم ثمود: از دیدگاه قرآن، این قوم به جهت ظلم و فساد، دنیا پرستی و اسرافکاری افراطی در ردیف فساد انگیزترین اقوام تاریخی محسوب شدهاند.

قوم لوط: با بیان صریح در آیه ی: قال رب انصرنی علی القوم المفسدین لوط گفت: پروردگارا، مرا بر قوم فسادکار غالب گردان بر افراط و گسترده‌گی جرم لواط، عنوان افساد اطلاق شده است.

قوم شعیب: قرآن نیز از کم فروشی، نا به سامنیهای اقتصادی و تضییع حقوق دیگران در زمان حضرت شعیب با عنوان افساد فی الارض یاد کرده است.

قارون: قارون نیز به خاطر پیش گرفتن طریق ظلم و طغیان، مفسد فی الارض خوانده شده است. بنابراین میتوان گفت که جرم افساد فی الارض در نظامهای الهی ما قبل اسلام وجود داشته و با ظهور اسلام، مجازات

آن در سوره ی مائده در آیه ی ۳۳ به صراحت تعیین و مشخص شده است.

با رواج اسلام و استقرار نظام جزایی در ایران، مبانی و اصول حقوق اسلام در روابط قضایی ما حاکم گردیده و منابع جزایی و حقوقی ما را قرآن و سنت و سایر منابع اسلامی تشکیل داده است. اما با گذشت مدتی از ورود اسلام به ایران، حکام با اعمال زور سعی بر دور نگه داشتن فقهاء از امور حکومتی داشته و به تدریج قضاوت را از قضاوت شرع گرفته و بر اساس رأی و نظر خود به امور قضایی میپرداختند. بدین تریب به علت دور بودن فقهای اسلامی از حکومت ظاهری و ترویج محاکم عرفی در مقابل محاکم شرعی و قوانین جزایی اسلام، جرم افساد فی الارض و حد آن مدت مدیدی متروک مانده بود. مستندات فقهی جرم افساد به اعتقاد جمعی از فقهاء افساد فی الارض عنوان مجرمانه مستقل و عامتری از محاربه است. مستند دیدگاه این دسته از فقهاء عبارت است از:

الف) در سوره مائده، آیه ۲۲ آمده است: «از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد». مقید شدن زشتی و قبح قتل به موارد غیر از قصاص و فردی که در زمین فساد ایجاد میکند دلالت بر این دارد که اگر قتل به خاطر قصاص و انتقام مشابه و یا به خاطر ایجاد فساد در زمین باشد قبیحی نداشته و جایز است.

ب) در سوره مائده، آیه ۲۳ می فرماید: *إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ* سزای کسانی که با [دوستانان] خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید

گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت (۳۳)

این آیه از مهمترین آیات مربوط به احکام کیفری در قرآن است که مباحث مفصلی در کتب فقهی در مورد مفهوم و

مصادیق آن نظرات مختلفی ابراز شده است

ج) روایات انطباق داده شده بر موضوع افساد فی الارض: روایات وارده در باب مجازات شخصی که خانه و کاشانه

گروهی را به آتش میکشد و نیز شخصی که عادت به کشتن اهل ذمه یا کشتن بردگان دارد، همچنین روایات که در باره

مجازات نبش قبر و کفن دزد، عقاب ساحر، مجازات کلاهبردار و قاچاقچیان مواد مخدر جزو این موارد است. انطباق

مضمون روایات بر افساد فی الارض و یا تطبیق جرایم خاص بر افساد فی الارض، از سوی بسیاری از فقها همگی دلیل

بر آن است که جرم افساد فی الارض نزد فقها، جرم مستقل و عام تری از جرم محاربه بوده است. با توجه به ماده ۲۸۶

قانون مجازات اسلامی، تصوب شده در ۱۳۹۲ ایراد اتهامات بر فساد محارب در حال حاضر سهلتر شده است.

ظاهر ماده ۲۸۶ نشان میدهد که در آنها تنها ضابطه عینی (و نه شخصی) ملاک قرار گرفته است، تبصره ماده نشان

میدهد که علاوه بر ضابطه عینی، ضابطه شخصی نیز برای مفسد فی الارض محسوب شدن مرتکب ضروری است و با

عدم احراز آن، مطابق تبصره ماده ۲۸۶، مرتکب به مجازات سبکتری محکوم خواهد شد. تردیدی وجود ندارد که ماده

۲۸۶ به ارتکاب جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد، علیه امنیت داخلی و امنیت خارجی، نشر اکاذیب و غیره مربوط

میشود؛

مصادیق افساد فی الارض در فقه

در اینجا ابتدا به مصادیق از افساد فی الارض در بیان فقها بدون اشاره به بحث محاربه پرداخته میشود.

۱- آدم ربای

شیخ طوسی (ره) معتقد است حد قطع در آدم ربایی به جهت سرقت نیست چون در سرقت نصاب و حرز و امور دیگر

لازم است و لذا حد مذکور از بابت افساد فی الارض است (طوسی ۱۴۰۱ ه ق جلد ۱۰ ص ۳۲) در لمعه نیز همین نظر

را پذیرفتند البته شهید ثانی (ره) ظاهراً عنوان افساد فی الارض را میپذیرد ولی در مصداق آن اختلاف نظر دارد

محقق حلی (ره) مینویسد: مردی را نزد امیرالمومنین (علیه السلام) آوردند که یک فرد و آزاد را خریده بود سپس

حضرت دست او را قطع کردند. و نیز در روایت سنان بن ظریف از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند چهار حد

است اما آنچه درباره قطع (دست و پا) ذکر شده است از باب حد نیست بلکه به خاطر فساد است (خوانساری ۱۳۹۴ ه

ق، _____ جلد _____ ص ۷۱۴۵)

۲- عادت به قتل بندگان و اهل ذمه

با توجه به ضرورت تساوی در دین و حریت و عدالت و به عنوان شرایط قصاص مسلمان آزاد بخاطر کشتن کافر،

قصاص نمی شود اما حکم عدم قصاص مسلمان در مقابل کافر و عبید مشروط به عدم اعتیاد مسلم در قتل آنهاست و

اگر کشتن کفار و عبید برای مسلمانان نیز به صورت یک عادت در بیاید در اینجا دیگر بحث عدم قصاص مطرح نیست

و فرد مسلم قصاص خواهد شد در عین حال در مبنای و مستند قصاص اختلاف نظر وجود دارد ولی برخی فقها این

قصاص را از باب افساد فی الارض مسلمانی که معتاد به قتل بندگان شده می‌شمارند، مثلاً شهید ثانی (ره) که

در بررسی این قتل معتقد است: اگر کسی به قتل بردگان عادت کرده و بر آن اصرار می‌ورزد به خاطر فساد در روی زمین

کشته میشود نه به خاطر قصاص (جبعی العاملی، ۱۴۰۳ ه ق، جلد ۲ صفحه ۴۰۵). یا ابن زهره (ره) که میفرماید: اگر

کسی به قتل بردگان عادت کرده و بر آن اصرار می‌ورزد، به خاطر فساد در زمین کشته میشود نه به خاطر قصاص

(حبیبزاده، ۱۳۷۹ ص ۶۰). مقدس اردبیلی (ره) معتقد است: اگر عادت او شده باشد بعید نیست که برای دفع فساد،

حکم قتل قاتل داده شود، به عنوان حد نه به عنوان قصاص (اردبیلی، ۴۱۶

ه ق، جلد ۱۴ ص ۷) این نظر در نوشته‌های شیخ صدوق (ره) و صاحب جواهر (ره) نیز موجود است.

۳ - کفـن دزدی نـبـاشـی

ابن ادریس (ره) در بیان حکم کسی که بعد از دفن اموات قبر آنها را میکند و کفن میت را میدزدد می‌فرماید: هنگامی که کفن دزد مرتکب تکرار عمل خود میشود، مفسد و سعی کننده در فساد بر روی زمین است که به خاطر اون دستش را قطع میکنیم؛ نه به خاطر اینکه سارق است و به همین دلیل است که اصحاب ما روایات روایت کرده‌اند که هرکس حر صغیری را سرقت کند و پس از او را بفروشد، قطع دست او واجب است و گفته‌اند قطع دست به خاطر آن است که از مفسدان بر روی زمین است (نعناکار، ۱۳۷۷، صص ۱۲۹ و ۱۲۸).

۴ - آتـش زدن مـنـزل دیـگـری

شیخ طوسی (ره) میگوید: اگر کسی که عمداً به منزل دیگری آتشی بیفکند و منزل با وسایلی که در آن هست آتش بگیرد و بسوزد هرچه تلف شود ضامن است و بعد از آن کشته میشود. (طوسی ۱۳۹۰ه ق، جلد ۱۲، صفحه ۱۸۹۳).
 ادریس (ره) اشکال میکند که اگر قصد قتل نداشته باشد نباید کشته شود و دیه بر عاقله اوست، که علامه حلی (ره) میفرماید: فرد از مفسدان در زمین است (طیبزاده ۱۳۷۹ صفحه ۱۶۱)

۵ - حـتـال و مـنـبـج

شیخ طوسی (ره) قطع دست کسی را که با نوشته دروغین و سند سازی خود را فرستاده دیگری معرفی نموده و مالی را ببرد از باب افساد میدانند همچنین برخی فقها گفته‌اند: تعزیر کسی که بوسیله خوراندن چیزهای مست کننده و چیزی که هشیاری و عقل فرد تغییر می‌دهد مثل بنگ و شراب و مانند اینها و مال آنها را تصاحب میکند به واسطه افساد است. (سـیـوری، ۱۴۰۳ ه ق، ص ۴۷۱)

شیخ طوسی (ره) در خلاف معتقد است: عمل ساحر نوعی افساد در زمین است و با این کار سعی در فساد در زمین کرده است و بدین سبب قتل او واجب است. از آنجایی که در سحر محاربه نیست و معمولاً موجب سلب مال و جان کسی هم نمیشود، معلوم میشود که ملاک حکم روایات یاد شده مطلق فساد است (طوسی ۱۴۱۶ ه ق، جلد ۲ ص ۱۶۳).

در کنار این موارد نظرات فقهای معاصر نیز قابل توجه و تأمل است که چند مورد آن را بیان میکنیم:

آیت الله مکارم شیرازی در بیان مصادیق افساد فی الارض میگوید مدعی امام زمان بودن میتواند مفسد فی الارض باشد (پایگاه اینترنتی معظم له).

آیت الله مظاهری معتقد است: این (یسعون فی الارض) عطف تفسیری است. بله یسعون فی الارض فسادا، ذکرعام بعد از خاص است و وقتی ذکر عام بعد از خاص شده بعضی اوقات محارب نیست اما مفسد فی الارض هست. مفسد فی الارض کیست؟ مثلاً آن کسی که اقتصاد جامعه را تباه میکند آن کسی که افراد جامعه اسلامی را به لجن میکشد، آن کسی که احکام مسلم اسلام را زیر سوال میبرد، و اگر اینجور معنا کردیم ذکرعام بعد از خاص باشد دیگر این جور میشود آن میشود یک مصداق، لذا اصل در مطلب مفسد فی الارض است و اما محارب را ذکر کرده، مصداق کامل را ذکر کرده، مصداق عالیش را ذکر کرده در حقیقت این جور است که انما جزا الذین یحاربون الله و رسوله این کیست؟ هو مفسد فی الارض، آن وقت هو مفسد فی الارض، این محارب را گفته مصداق کامل، مصداق کامل را از اول گفته، بعد یک قاعده کلی برمیگردد به اینکه مفسد فی الارض هر کسی باشد، یک مصداق محارب است، لذا این محارب باید عرفاً مفسد فی الارض باشد تا مفسد فی الارض نباشد این احکام را ندارد. چنانچه به عکسش این محارب نشد، اما عرفاً مفسد فی الارض شد، لذا میگوییم آیه شریفه میگوید مفسد فی الارض را باید کشت، باید ریشهکن کرد، حالا این

مفسده فی الارض گاهی با جان مردم، گاهی با ناموس مردم، گاهی با عفت مردم، گاهی با اجتماع مردم، گاهی جاسوسی خب آدم جاسوس میخواهد اصرار جامعه را بدهد به دشمن، خب همه اینها مفسد فی الارض هستند. آن وقت یک مصداقش یحاربون الله است (پایگاه اینترنتی آیت الله مظاهری درس ۱۰۴).

مصداقی قانونی افساد فی الارض و محاربه با عنایت به اینکه کشور ایران یک کشور اسلامی است اکثر قوانین آن مقتبس از فقه اسلام میباشد؛ حال میخوایم ببینیم که آیا چنین عنوانی در فقه وجود دارد یا خیر. به عبارت بهتر آیا قانونگذار ما در اقتباس جرم افساد فی الارض از فقه تخطی نموده است یا خیر؟ فقها در هیچ یک از کتاب های فقهی خودشان مطلبی مستقل به عنوان افساد فی الارض ارائه نموده اندو فقط بعضی از فقها یا مفسران جرمهای مخصوصی را تحت عنوان افساد فی الارض مطرح نمودهاند از قبیل کفن دزدی، آتش زدن منزل دیگری، عادت به کشتن اهل ذمه و ... ممکن است کسانی فکر کنند که قانونگذار ایران در موارد مختلفی به ذکر مصداقی از آن از فقه تخطی نموده است ولی از نظر برخی از فقها چنین نیست زیرا مصداقی که در کتب فقهی قدیم آمده متناسب با زمان خودشان بوده و محدود به آن موارد نمیشود.

در ادامه مصداق افساد فی الارض در قوانین ایران اسلامی را بیان خواهیم نمود:

۱- قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۶/۶۷ چنین آمده بود. ... چنانچه در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر به بیش از ۵ کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به اعدام محکوم میشود.

۲- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری

در ماده ۴ اصلاح و تأیید موادی از لایحه تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی تصویب 1367/09/15 «-کسانیه با تشکیل یا رهبری شبکه به امر ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند برفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتیکه مصداق کامل مفسد فی الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود»

۳- قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور

در ماده ۱ و ماده ۲ قانون مجازات اخلاالگران اقتصادی مصوب ۶۹/۹/۱۹ چنین آمده است :

ماده ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون

الف - اخلاال در نظام پولی یا ارزی کشور ...

ب - اخلاال در امر توزیع مایحتاج عمومی

ج - اخلاال در نظام تولیدی کشور

د - هر گونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروتهای ملی ...

ه - وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده ...

و - اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی ... تبصره - قاضی ذیصلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هریک از بندهای فوق‌الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذیربط را نیز جلب نماید.

ماده ۲ - هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیراین صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود ...

دربرج آبان ۹۷ فردی به نام وحید مظلومین ملقب به سلطان سکه به جرم افساد فی‌الارض از طریق تشکیل شبکه فساد اخلال در نظام اقتصادی و ارزی و پولی کشور با انجام معاملات غیرقانونی و غیرمجاز و قاچاق عمده و کلان ارز و سکه که محکوم به اعدام بود اعدام شد. از جمله فعالیت مجرمانه این فرد و همدستان خود، رد و بدل کردن غیر واقعی و صرفاً شفاهی قیمت ارز و سکه بوده است که نقش بسزایی در افزایش قیمت داشته است شبکه مظلومین با خرید و فروش عمده و کلان کاغذی و معاملات بازار ارز و سکه را ملتهب نموده و از اقدامات غیر مجاز دیگر این شبکه خروج منابع مالی به صورت غیر قانونی از کشور بوده است و براساس تشخیص دادگاه رسیدگی کننده و درنهایت دیوان عالی کشور وحید مظلومین به استناد ماده ۱ و ماده ۲ قانون مجازات اخلالگران، مفسد فی‌الارض شناخته و او را به عـــدام مـــحکـــوم کـــردند.

۴-قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب

درفصل دوم - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی ، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب 1382/10/09

ماده ۱۷ - هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان

اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد

محراب محسود می شود.

ماده ۱۹ - هر نظامی که به منظور برهم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل

دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می گردد. اعضای جمعیت که

نسبت به اهداف آن آگاهی دارند در صورتی که محارب شناخته نشوند به دو تا پنج سال حبس محکوم می گردند.

ماده ۲۰ - هر نظامی که به نحوی از انحاء برای جداکردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای

لطمه واردکردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید به مجازات محارب محکوم

می شود.

ماده ۲۱ - نظامیانی که مرتکب جرائم زیر شوند چنانچه ارتکاب جرم آنان به

منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد به مجازات محارب و در غیر این صورت به

سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می گردند:

الف - هر نظامی که افراد تحت فرماندهی خود یا پایگاه یا محلی که حفاظت آن به عهده او سپرده شده یا تأسیسات و

تجهیزات و ساز و برگ نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظائر آنها را به دشمن تسلیم یا افشاء نماید.

ب - هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تبانی کند.

ج - هر نظامی که برای دولت در حال جنگ با ایران یا برای گروهها یا دستجات محارب و مفسد جمع‌آوری نیرو یا

کمک نماید یا سایر افراد را به الحاق به دشمنان یا محاربان و مفسدان اغوا و تشویق کند یا عملاً وسائل الحاق آنان را

ف_____ راه_____ م_____ آورد.

ماده ۲۲ - هر نظامی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، محارب

م_____ حس_____ وب_____ م_____ ش_____ ی_____ بود.

و ماده ۲۳ و ماده ۲۴ - نیز مواردی را شامل مجازات محارب می‌شمارد که در فستی دیگر بیان خواه شد . چ

چون اکثر جرمهای مذکور باعث اخلاص عمده در امنیت عمومی جامعه اسلامی می شود قانونگذار از نظر فقهای که

تنها قصد و اقدام علیه امنیت مردم را به شکلی صورت گیرد را محارب می دانند پیروی کرده یا اینکه آنها را مفسد

ف_____ فی_____ الارض_____ فرض_____ ن_____ م_____ وده_____ است

۵-۱۳۹۰ قانون مجازات عبور دهندگان از مرزها:

در بند الف ماده یک قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور مصوب ۶۷/۰۷/۱۴ چنین آمده

است.

. الف). در صورتیکه عمل عبور دهنده مخل امنیت باشد چنانچه در حد محاربه و افساد فی الارض نباشد به حبس از ۲

تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد. پس اگر عمل عبور دهنده گسترده و موجب اخلاص عمده در امنیت باشد احتمال صدق

مفسد فی الارض وجود دارد و صدق محاربه و بقی بعید به نظر میرسد .

۶-قانون مبارزه با قاچاق انسان

۱۴۰۰ در تبصره ۲ ماده ۱۴۱۱ قانون مبارزه با قاچاق ۱۴۲۰ انسان نیز آمده است:

چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هیجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض

نباشد مرتکب به حداکثر مجازات ۱۲۳ مقرر در این ماده محکوم می‌شود.

ولی اگر ۱۴۴ قصد قاچاقچیان منافع اقتصادی و تضعیف حداکثری نظام اسلامی باشد که در این صورت هرگاه عمل

قاچاق دختران و پسران کم سال و حتی بزرگسال موجب ایجاد فساد گسترده‌ای گردد، مرتکب، مصداق مفسد فی‌الارض

است

جرم بودن فعل یا ترک فعلی بر اساس مبانی نظری با توجه به نگرش ایدئولوژی حاکم به انسان و سرشت او و

مفاهیمی همچون آزادی، عدالت، قدرت و امنیت، رفتاری گزینش می‌شود و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر

می‌گردد.

۷- قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس در ماده واحد، مصوب ۱۳۶۸/۲۹/۱ قانونگذار مرتکبین موضوع ماده

واحد و مجازات جاعلین اسکناس را مفسد فی‌الارض تلقی کرده و مجازات اعدام را برای آنها در نظر گرفته است.

۸- قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان

قبل از پرداختن به این مطلب لازم است که تعریف این دو عنوان (احتکار و گرانفروشی را) از نظر بگذرانیم.

براساس ماده یک این قانون مصوب ۱۳۶۷/۰۱/۲۳ محتکر و گرانفروش را چنین میتوان تعریف کرد: محتکر محتکر

کسی است که ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم از قبیل گندم، جو، کشمش و را به قصد افزایش قیمت جمع و

نگهداری کند. گرانفروشی گرانفروش نیز کسی است که کالا را به بیش از نرخ متعارف عرضه کند و در مورد کالاهایی

که به دست دولت توزیع می‌شود به بیش از نرخ تعیین شده توسط دولت عرضه کند. حال که تعریف محتکر و

گرانفروش را هرچند بطور مختصر بیان نمودیم اینک موادی را که بر اساس قانون فوق‌الذکر مصداق مفسد فی‌الارض

می‌باشند را بیان می‌نماییم:

براساس ماده ۵ و ۶ قانون مزبور هر گاه شخصی به عنوان مقابله با حکومت اسلامی مرتکب اعمال مذکور در این قانون شده و مصداق محارب باشد و بر آن محاربه نیز صدق نماید، مرتکب به مجازات محارب محکوم خواهد شد. یا هر گاه گرانفروشی و به قصد ایجاد بحران و مقابله با نظام اسلامی بوده و آثار نامطلوب گسترده‌ای را به همراه داشته باشد، عمل مصداق افساد فی الارض بوده و مرتکب به مجازاتهای مفسد، محکوم خواهد شد.

۹ - زورگیری

دکتر مجید ابهری درباره تعریف زورگیری میگوید: زورگیری به معنای گرفتن مال و اموال دیگری بدون حق قانونی و با توسل به زور بوده و ممکن است برای رسیدن به اموال غیر قانونی زیانهای جانی جبران ناپذیر و حتی مرگ که برای افراد بی گناه به بار آورد (سلامت نیوز ۱۳۹۲ رفتار شناس اجتماعی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی) فعل اولاً کشیدن سلاح دو ما با قصد و اراده همراه باشد چون فعل صغیر و مجنون و مست از روی اراده محسوب نمیشود، پس قصد ارباب یکی از مصادیق قصد میباشد، اگر به قصد غیر از ارباب به قصد مال و جان و و ناموس مردم هم باشد جرم محاربه محقق شده است هرچند به قصد ارباب نباشد. شهید ثانی در تعریف محارب عنوان نموده است هرکس اسلحه را از غلاف بیرون آورد و مردم بر اثر عمل او بترسند محارب است خواه قصد اخافه داشته باشد یا نه (شهید ثانی ۱۴۱۰ ه. ق. ۳۶۲).

ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی

راهزنان، سارقان و قاچاقچسانی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راهها شوند محاربند.

ماده ۲۸۶-ق. م. ا. موارد زیادی از مصادیق افساد فی الارض را در این ماده می شمارد: هرکس به طور گسترده، ۱- مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، ۲- جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، ۳- نشر اکاذیب، ۴-اخلال

در نظام اقتصادی کشور، ۵-احراق و تخریب، ۶-پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک ۷- دایر کردن مراکز فساد و فحشا ۸-معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

۱۰- مجازات سردستگی

سردستگی جرایم محاربه یا افساد فی الارض: مجازات سردسته، حسب مورد مجازات محاربه یا افساد فی الارض خواهد بود. ۱۱- قانون مجازات فعالیت کنندگان غیر مجاز در امور سمعی و بصری

در ماده ۳ (طرح یک فوریتی مصوب ۱۶/۱۰/۱۳۸۶) چنین آمده عوامل اصلی تولید، تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن ... چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌گردند.

۱- تولید کنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه

۲- تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران

۳- عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن

با توجه به آنچه در این قانون بیان شد اگر عمل فردی موجب فساد گسترده شود و یا به قصد آلوده کردن جامعه اسلامی و تضعیف ارکان اعتقادی و فرهنگی آن انجام داده باشد، به شکلی که بشود گفت عمل مرتکب، سعی و کوشش

درگسترش فساد در جامعه بوده است. می تواند از مصادیق افساد فی الارض باشد

۱۲- مصادیق افساد فی الارض اینترنتی

پس از اثبات تمام الموضوع بودن جرم فساد فی الارض در سوره مائده، آیه ۳۳ و بودن محاربه به

عنوان یکی از مصادیق آن، میتوان گفت که افساد مستوجب حد از طریق اینترنت و در فضای مجازی

بدون هیچ گونه شکی ممکن است. البته در وهله اول ممکن است این طور به نظر برسد که ارتکاب افساد

از طریق رایانه قابل تصور نیست ولی با امعان نظر در این مورد بدون تردید میتوان مصادیق زیادی را

برای آن فرض نمود گرچه ممکن است تعدادی از این مصادیق امروزه از شیوع بسزایی برخوردار نباشد. از

جمله این مصادیق

مصادیق اول) افساد از طریق ترس و رعب (: ویروس انتحاری ۱ تحت عنوان System Registry قادر است پس

از نفوذ به سیستم قربانی و اجرا شدن توسط وی، با نفوذ در virus کاربر، قسمت پاور سیستم را کنترل کرده و در یک

لحظه تمام توان انتقال قدرت پاور را به سمت مانیتور هدایت کرده و با شارژ شدیدی که به خازنهای مانیتور اعمال

میشود باعث شک قوی در آن شده و به انفجار مانیتور منجر میگردد! از آنجا که اطلاعات کاملی توسط سازندگان این

ویروس ارائه نشده و تمامی مسائل اجمالی است، هنوز متخصصان موفق به توجیه مسأله نشدهاند اما وقتی که با واقعیت

مسئله و عملکرد موفق این ویروس روبرو گشتند، مجبور به پذیرش واقعیت شدند.

با در نظر گرفتن مطالب فوق شخصی که با ارسال این ویروس در فضای اینترنتی - مثل اینکه سایت

یا شبکههای را تأسیس کند و این نوع از ویروسها را در آن گذاشته تا اینکه در دست کاربران قرار گیرد و یا

اینکه آن ویروسها را در قالب طرقي همچون فايل کاربردی و يا به طرق ديگر به طوری که شناخته نشوند، به ايميل افراد بفرستند - باعث به خطرانداختن نفس و جان هزاران کاربر و موجب ترس و هراس آنها در استفاده از رایانه شود، میتواند از جمله افرادی به شمار آید که موجب تهديد نفس و جان مردم خصوصاً کاربران رایانه و سلب امنيت عمومی آنها میشود.

۱. ویروسی که با نابودی خود، سخت افزار سیستم را نابود کرده و میتواند خطرات جانی برای کاربر داشته باشد.

(به ساييت //DVB (HTTP: COM/SHOWTHREAD. ۶۶

۳۰۴۶۸۲&T=۲۶۷۱۶۰۵۷۱۶PHP?COLLCC=

مصداق دوم) افساد جنسی (: به نمونه ذیل توجه کنید:

مریم ص، ۱۸ ساله که گاهی وقت خود را به گفت و گو با دیگران در شبکه اینترنت میگذارند، درباره خود چنین میگوید: چند وقت بود که هر روز با یک نفر که خودش میگفت در یکی از کشورهای اروپایی زندگی میکند، از راه اینترنت صحبت میکردم. او عکس خود را برایم فرستاد و من هم همین طور. بعد از آن از همدیگر خوشمان آمد و اظهار علاقه کردیم و او گفت که در صورت تمایل خوشبختانه در این مورد خاص تلاش قاچاقچیان ناکام ماند امکان فرستادن ویزا و بلیط برای من را دارد و مریم به سبب مخالفت پدر و مادرش نتوانست به این مسافرت شوم برود، ولی چه بسا در موارد مشابه، قاچاقچیان در خارج کردن بیدردسر دختر بیگناهی از ایران موفق شده باشند) روزنامه همشهری، زمان: امروزه بسیاری از دلان جنسی از طریق اینترنت برای اغفال دختران و زنان و حتی مردان استفاده میکنند.

اطاق گفتگو (chat room) همانطوری که در مثال فوق ملاحظه میشود یکی از این راههاست.

از مصادیق دیگر میتوان به سایتها و وبلاگهای دوستیابی سکسی و همچنین وب سایتها و لینکهای موجود در شبکههای

اجتماعی پرتطرفدار همچون فیس بوک (facebook) ، (twitter) (تویتر) ماسپیس (MySpace) و تلگرام (Telegram) که مشخصات افراد منحرف شده اخلاقی زنان و مردان و کودکان را در خود جمع کرده اند اشاره کرد که افراد دیگر و علاقمندان به رابطه جنسی میتوانند در این سایتها وشبکه ها البته پس از وارد نمودن نام کاربری و رمز عبور در بعض از موارد، وارد شده و شخص مورد نظر خود را پیدا کنند به طوریکه در شبکه هایی همچون فیس بوک و تویتر شخص با دنیای مجازی پر از فیلم و عکس و پیام و نوشته و مواجه است که توسط جستجوهای بسیار پیشرفته و حتی در بعض مواقع با تایپ بعض از کلمات مورد نظرش به راحتی میتوانند به مقصود خود برسند.

مصادق سوم) افساد سیاسی (: این مصادق که به نوعی از جهت افساد، از مصادیق قبلی بارزتر و میتواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد اینکه ممکن است شخصی از طریق اینترنت پس از هک و شکاندن قفل شبکه امنیتی کشوری که اسرار آن کشور همچون اسرار نظامی در آن نهفته است، وارد آن شبکه شده و با اعمالی همچون افشا کردن آن اسرار، امنیت عمومی مردم آن کشور را به خطر بیندازد

نمونه دیگر اینکه شخص در فضای مجازی از طریق شبکههای فیس بوک و تویتر و با تحریک افکار عمومی مردم، موجب تباهی مردم و باعث ایجاد فتنه در جامعه شود به طوری که باعث سلب اعتماد مردم نسبت به دولت و مسئولین کشور و نظام اسلامی شود.

مصادق چهارم (افساد اقتصادی): امروزه جذب نیروهای جدید در شبکههای هرمی همچون گلدکوئیست، در حد وسیعی بواسطه شبکه جهانی وب در فضای مجازی، به عمل میآید.

در تمامی این مصادیق و امثال آن در صورتی که مجرم، موجب اختلال در آسایش عمومی مردم و نظم در جامعه شود و باعث سلب اعتماد مردم و جامعه نسبت به نظام اسلامی گردد و صدمه آن نیز قبل از آنکه متوجه افراد بخصوصی شود، عائد نظام اداری مملکت شود، در یک چنین صورتی جرم مذکور با توجه به اینکه مجرم در صدد از بین بردن حالت

تعادل جامعه و به تباه کشیدن افراد آن و گسترش فساد در حدوسیع است، به خاطر قرارگرفتنش تحت عنوان افساد فی الارض، مستوجب اجرای کیفر افساد فی الارض برفرد مجرم میشود و میتواند مشمول ماده ۲۸۶ قرار گیرد. همانطوری که در مصداق دوم شخص با به راه انداختن سایتهایی با مضامین مستهجن و انحرافی که در دسترس میلیونها نفر از آحاد افراد جوامع قرار میگیرد، در نظر عرف از مصادیق بارز مفسد فیالارض به شمار آمده که از طریق رایانه در فضای مجازی مرتکب چنین عملی میشود و بدون شک حکم در ماده ۲۸۶ منطبق بر آن است. وانگهی افساد حاصله از این اعمال در فضای مجازی به خاطر وصل بودنش به شبکه جهانی اینترنت، به مراتب بیشتر از افساد به نحو سنتی و نوعا دارای بازدهی بیشتری است. از طرفی مفسد اینترنتی از باب اینکه اعمالش را در فضای مجازی انجام میدهد در بسیاری از موارد هویتش نیز مجهول است و به تبع آن به خاطر پنهانماندن هویتش با خیال راحتتری میتواند اغراض خود را عملی سازد. البته در تمامی این موارد همانطوری که خواهد آمد، مجرم باید قصد افساد را نیز داشته باشد.

در فصل چهارم — جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی، ماده ۱۴ — هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره ۳ مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا بطور سازمان یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد. با توجه به تبصره ۳ این ماده اگر جرایم رایانه در سطح گسترده باشد و دال بر سعی در گسترش فساد در روی زمین

باشد از مصادیق افساد فی الارض بوده و مجازات مفسد فی الارض را خواهد داشت .

افساد فی الارض در اقتصاد

براسای ماده ۵۲۶ قانون مجازات؛ ممکن است جرایم مالی به نحوی گسترده باشد که بر فرد اطلاق افساد فی الارض

شود.

ادعای فقدان علم یا قصد در جرم محاربه و افساد فی الارض

تبصره ۲- اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.

شارع مقدس در حدود در واقع با مسامحه برخورد میکند و به اصل براءت توجه مینماید با این وجود در برخی جرائم

یاد شده در تبصره ۱ قانونگذار کمی سختگیری نموده و صرف ادعا را کافی ندانسته است و دادگاه را موظف به تحقیق

و بررسی نموده است.

نتیجه گیری

مفسد فی الارض و محاربه، یکی از معضلات جوامع امروزی است که دولتها به ویژه در سده اخیر با آن درگیرند. در

طول تاریخ اسلام نیز بسیاری از بزرگان از جمله امامان معصوم ما قربانی این پدیده شوم شدند. دنیای غرب، چند سالی

است که سعی در حذف اسلام از عرصه سیاست دارد و در این راستا ابتدا با پدید آوردن و تقویت گروهکهای

تروریستی هم چون القاعده و داعش، سپس با استناد به اعمال این دسته، اسلام را تروریستی و تروریست پرور معرفی

کرد. عدهای از فقها و مفسران میگویند مفهوم افساد فی الارض عامتر از محاربه است، به گونهای که محاربه فقط یکی

از موارد افساد فی الارض است؛

در خصوص مصادیق حقوقی، ظاهر ماده ۲۸۶ نشان میدهد که در آنها تنها ضابطه عینی (و نه شخصی) ملاک قرار

پیشینه: اده

محکوم کرن تروریستهای بین المللی وافرادی که حکم ترور، افراد موثر در تامین امنیت (نظامی سیاسی اقتصادی و علمی و) کشور نقش بسزای دارن را به عنوان مفسد فی الارض محکوم و خونشان را هدر اعلام کنند تا هر جای جهان هر مبارز حق طلبی دسترسی پیدا کرد انتقام شهدای ترور (شهدای امنیتی مثل حاج قاسم سلیمانی علمی مثل شهدای هستهای و شهید فخری زاده و شهید تهرانی) را بگیرد تا دیگر جرات صادر کردن و اجرا چنین ترورهای را نداشته باشد نه اینکه در رسانههای بین المللی افتخار به ترور کنند مثل ترامپ و نتانیاهو عاملان ترور را همچنین.

۲- اخلاص کلان اقتصادی و فرهنگی فراری به سرزمینها دور را نیز در دادگاهی به شکل غیابی محکوم و برای دستگیری و تحویل آنه جوایزی در نظر گرفته شود تا سربازان امام زمان آنها را دستگیر و تحویل محاکم قضایی دهند تا اموال مردم را از آنها مسترد و عدالت را در مورد آنها اجرایی نمود تا درس عبرتی باشد برای دیگران.

Abstract

The purpose of the present study is to investigate corruption on earth and moharebeh and their examples in Islamic jurisprudence and law. , Has examined the background, pillars and examples of these crimes in the previous laws and their developments in the Islamic Penal Code and new cases that are not mentioned in the previous laws. Prominent examples of corruption on earth and war in ancient jurisprudence include kidnapping, addiction to killing the people of Dhimma and slaves, shroud of theft and non-existence, burning the house of another, mahtal and manbij, sorcerer but in modern jurisprudence and law are the fight against drugs, perpetrators , Bribery, embezzlement and fraud, economic disruptors, crimes of the armed forces, cross-border smugglers, human trafficking, counterfeiters, extortionists and expensive sellers, extortion, unauthorized audiovisual activists, cybercriminals and cyberspace in the fields Creating fear and

الحاقی ۱۴/دی / ۱۳۸۴، روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۶۱ مورخ ۲۵/۱۱/ ۱۳۸۴

صدقت زاده، محمدرضا (۱۳۹۵) بررسی فقهی و حقوقی محاربه و .. - دانشکده علوم انسانی آزاد تهران مرکزی

گرایلی، محمد باقرو حکاک زاده یزدی، محمد مهدی (۱۳۹۴) تحلیل مبانی فقهی، حقوقی زورگیری، پژوهشنامه فقه اسلامی و مبانی حقوق،

شماره _____ ۳۱

مستجاب الدعواتی، سیدعلی و محمدعلی فر، علی (۱۳۹۷)، بررسی فقهی حقوقی جرم محاربه و مقایسه آن با افساد فی الارض و بغی، هفتمین

کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران،

مستقیم، بهرام؛ قادری کنگاوری، روح ... (هزارو سیصد ونود). نقض ... تروریسم، مجله: سیاست، شماره ۱۷.

ملک آستانه فاطمه، سلمانی فاطمه، سلمانی سعید، حسنی محمدحسن (۱۳۹۴). نقد محاربه در قانون مجازات اسلامی جدید، اولین کنفرانس بین

المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری).

هاشم زاده هریسی، هاشم (۱۳۸۸). مسایلی چند در مورد محاربه. وبلاگ شخصی دکتر هریسی. بایگانی شده از اصلی در ۸ آوریل ۲۰۱۰.

هژیر، زهرا و ایزدی سلمانی، ناصر (۱۳۹۵)، بررسی کلی محاربه و... علیه امنیت، اولین همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت

اجتماعی، تهران،

هژیر، زینب (۱۳۹۹)، بررسی جرم محاربه با توجه به ق. م. ا. کن... فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام، کرج.

پایمان _____ نامه _____

سنجولی، مریم. (۱۳۹۷). مقایسه تروریست با مفسد فی الارض در فقه ...، دانشگاه سیستان و ...

شریفی، مهرداد (۱۳۹۴). پیشگیری از جرایم علیه امنیت در فضای مجازی، د.آ.